

# مذهب و شعر فلسطین

خالد سلیمان / پوران حجت انصاری و علیرضا نادری

تاریک‌هی افرنگ مشیون کی و معونین سی  
به وادی ایمن نهین شایان نحلی!  
هی نزع کی حالت مین به تهذیب جوان مرگ  
شاید هون کلیسا کی یهودی متولی!  
این تمبذ کوتاه زندگانی در حال مرگ است  
شاید یهودیان نگهبان کلیساهای مسیحی باشند  
بہتر باشد.

چنانکه گفتیم اعراب فلسطینی به وضعیت مذهبی  
فلسطین و اهمیتی که برای مسلمانان و مسیحیان  
دارد، توجه زیادی دارند. توجه به اصطلاحاتی که  
شاعران در شعرشان به کار می‌برند این علاقه را نشان  
می‌دهد. اصطلاحاتی مثل: قبله ای از دو قبله  
مسلمانان، وطن پیامبران، گهواره مقدسین، گهواره  
پیامبری یا مهدنبوت، گهواره یا مهد مسیح، سومین  
مکان مقدس، که بارها در بسیاری از اشعار شاعران  
مسیحی و مسلمان تکرار شده است.

علاوه بر آن، خطری که فلسطین را احاطه کرده،  
در چشم بسیاری از شاعران تهدیدی برای امکان  
متبرک است و جای تعجب نیست شاعری بگوید  
که اعراب مسیحی مثل مسلمانان نسبت به فلسطین  
تعصب نشان می‌دهند.

یغار مسیحی علیها و مسلم

و کل لها فیما یحتوی فادی<sup>(۲)</sup>

شاعر مسیحی دیگری به نام «بشاره عبدالله  
الخوری» که به «الافتال الصغیر» معروف است  
(۱۹۶۸-۱۸۸۴م) در شعر «سلام به فلسطین»  
در سال ۱۹۴۲ چنین می‌گوید. مکه نزاره را

نقشی که مذهب در اشعار فلسطینی به عهده گرفته،  
به آسانی قابل درک است چون بدان علت که به شعر  
بسیاری از شاعران تشخیص بخشیده است و ساده‌تر  
اینکه گفته شود. شاعران به فلسطین از دید مذهبی  
نگریسته‌اند. این نقش، زمانی ارزش بیشتری  
می‌یابد که شاعران مسلمان غیر عرب هم به آن توجه  
می‌کنند. شاعر و فیلسوف مشهور پاکستانی محمد  
اقبال لاهوری (۱۹۳۸-۱۸۷۵م) در چند شعر از  
فلسطین سخن گفته است که نشانه همدردی او و  
صدای احساس مسلمانی غیر عرب درباره اعراب  
فلسطینی از دید مذهبی است. در یکی از این اشعار  
اقبال می‌گوید: اگر یهودیان ادعای کنند بر فلسطین  
حقی دارند، مسلمان‌ها هم طبق این منطق باید مدعی  
حکومت بر اسپانیا باشند.

هی خاک فلسطین به یهودی گا اگر حق  
رمسپانیه پر حق نهین کیون اهل عرب کا؟<sup>(۱)</sup>  
اگر یهودی حق تصاحب فلسطین را دارد- چرا  
اعراب حق تصاحب اسپانیا را نداشته باشند.  
اقبال در شعری دیگر، بی‌اعتمادی خود را به  
قدرت اروپا و معامله ناعادلانه‌اش با فلسطین بازگو  
می‌کند. عقیده شاعر بر این است که اروپائیان شدیداً  
تحت تاثیر یهودیان هستند.

تری دوانه جینوا مین هی نه لندن مین  
فرنگ کی رگ جان پنجه یهود مین هی!<sup>(۲)</sup>  
این مسأله نه در ژنو حل می‌شود نه در لندن  
چون مهار سرزمین اروپا در دست یهودیان است  
این عقیده در شعر دیگری هم تکرار می‌شود:

فلسطین با ظهور دین اسلام مورد توجه  
مسلمانان از نظر قداست معنوی به دلیل «قبله  
اول» بودن قرار گرفت. ماجرای قرن گذشته و  
اشغال آن توسط انگلیس و بعد به سبب طرد  
مسلمانان از سرزمین قدس به وسیله  
صهیونیست‌های تحت حمایت انگلیس و  
بعد کل غرب، باب توجه دوگانه‌ای باز شد که  
حس نوستالژیک ساکنان تبعید شده آن  
بر عمق آن افزود.

این توجه عمیق و همراه با آرزوی بازگشت آن  
به جمع کشورهای اسلامی و رجوع ساکنان  
اصلی و فرزندان رانده شده فلسطین به موطن  
خویش بدان حساسیت بسیار بخشید.  
در تعمیق این توجه و احیای حس مبارزه برای  
آزادی آن از زیر چکمه‌های صهیونیست‌ها،  
شاعران مسلمان، و برخی مسیحی عرب و  
فلسطینی، نقش به‌سزایی دارند. در نوشتار زیر  
که توجه‌ای از متن انگلیسی از این موضوع  
است، به گوشه‌هایی از این دقت در کار  
شاعران نشان داده می‌شود.

یک شاعر مصری به نام «محمود محمد صدیق» برای نشان دادن این ویژگی مذهبی پاپ را در شعری که در سال ۱۹۴۷ سروده مخاطب قرار می دهد (۶). او در این شعر از فلاکتی که مسیحیان را در فلسطین همانند مسلمانان احاطه کرده، شکایت می کند و می گوید: چیزی که این بدبختی را عمیق تر می کند، این است که غرب مسیحی یاریگر یهودیان است و آنها را تشجیع می کند تا وطن مسیحی را غصب کنند؛ شاعر خاطر نشان می سازد که اعراب ثابت کرده اند پاسداران صدیق این سرزمین هستند، آنها عیسی مسیح (ع) را هم مانند پیغمبرشان تصویر می کنند

فدعوا موطن المسیح بخیر  
و سلام فانه عیسانا  
غن حراسه القدماى وهنى  
اینا فیه فاسالوا الفرقاناً (۷)

بگذارید وطن مسیحی در آسایش و صلح زندگی کند

چون مسیح مال ماست.

ما حافظان قدیمی این سرزمین بوده ایم.

اگر با قرآن مشورت کنید، آیه هایی در این مورد خواهید یافت.

چنین مرسوم بود که شاعران مسلمان در جشن ها، اشعاری مذهبی درباره زندگی حضرت محمد (ص) می سرودند و وقایعی مثل الاسری و المعراج - تولد حضرت محمد (ص) - هجرت حضرت محمد از مکه به مدینه به سال ۶۲۲ بعد از میلاد و مانند اینها در این اشعار بازگو می شوند. (۸) بعد از این که مساله فلسطین مورد توجه افکار عمومی اعراب قرار گرفت، شاعران بسیاری از نظر مذهبی به این موضوع پرداختند. «سعدالدین الجیزاوی» جنگ شعری از سروده شعرای مصر در خلال سال های ۴۰-۱۹۳۰ را گرد آورده که درباره «الاسری و المعراج» و مساله فلسطین است و ارتباط این دو موضوع را در شعر نشان می دهد. موضوع مورد توجه الجیزاوی، وجود اشعاری است که شاعران عرب دیگر در این باره و نیز اعیاد مذهبی دیگر سروده اند. در آغاز رمضان، ماه روزه مسلمانان در سال ۱۹۳۷ محمد العید الخلیفه، شعری درباره خدمت اسلام به بشریت سروده و تاسف عمیق خود را از گرفتاری اعراب نشان می دهد و بدبختی فلسطین پیش از همه احساسات شاعر را جریحه دار کرده است.

وفى المقدس الباکی الحزین فطائح

توالت و انکاد طفت و ماتم

فیا شهر هل فی الارض یکشف کرینا

و بیعت فینا مجلنا المتقادم. (۹)

برای اورشلیم گریه کنید

## □ سعدالدین ال جیزاوی، جنگ شعری از سروده های شاعران مصری در خلال سال های ۱۹۳۰-۱۹۴۰ م. گرد آوری که درباره الاسری و المعراج و مساله فلسطین است و ارتباط این دو موضوع را در شعر نشان می دهند.

برای سببیت، بدبختی و فلاکتی که ما را در بر گرفته است  
آه ای ماه مقدس آیارنج ما را پایانی هست.  
آیا گذشته درخشان ما باز خواهد گشت.  
برای عید سعید فطر بعد از پایان رمضان سال ۱۹۳۳ یک شاعر مسیحی به نام «رشید سلیم الخوری» معروف به «الشاعر الغروی» از شاعران آمریکای جنوبی دو شعر می سراید (۱۰)  
در این ابیات، او تغییر جشن های عربی را در چنین موقعیت هایی بازگو می کند و می گوید:

اری تفاح هذا العید جمرا

ولو قطفوه من جنات عدن

والمنس ناغم الازهار شوکا

وأنشق عطرهاتنا بتن

ارضی والرسول قتیل غیظ

وافرح والمسیح شهید حزن

أسخرة الشعوب لعنت شعبا

ذلیل لست منک و لست منی

تعید لی و انت بتیح ارضی

و عرضی للیهود الیک عنی (۱۱)

برای من سبب های این عید چیزی غیر از زغال

نیم سوخته نیست

حتی اگر از باغ بهشت چیده شده باشند

من لطافت گل ها را چون خار احساس می کنم

و بوی خوش آنها برای من بوی عفن است

چگونه خشنود باشم این زمان که محمد (ص) در

خشم است

و عیسی (ع) از غصه می میرد

لعنت بر شما این ملت مرده ای که شرم همه ملت هایید

من به تو تعلق ندارم و تو هم به من

شما برای من جشن می گیرید

در حالی که سرزمین مرا تسلیم کرده اید.

شرف مرا به یهودیان فروخته اید.

بروید گم بشوید.

در سال ۱۳۵۵ هـ. مصادف با ۱۹۳۶ م. در سالگرد میلاد حضرت محمد (ص) جشنی در شهر نجف در مسجد حیدری برپا می شود و سخنرانی هایی صورت می گیرد و اشعاری خوانده می شود. در بین این اشعار، شعری از شاعر عراقی محمدعلی الیعقوبی (۱۸۹۵-۱۹۶۸) به نام «فلسطین شمارا به یاری می خوانده» (۱۲) است در این شعر الیعقوبی تاسف عمیق خود را نشان می دهد و از مسلمانان می خواهد که کمک هایشان را به برادران فلسطینی افزایش دهند.

وقایع سالگرد الاسری و المعراج بیشتر از هر اتفاقی مورد نظر شاعران واقع شده و ترکیب این واقعه در یک تم (آهنگ) به کار گرفته شده است.

«سلیمان ظهیر» (۱۹۶۰-۱۸۷۳) در شعر خاطره المعراج در سال ۱۹۳۱ میلادی (۱۳)

سفر پیامبر به اورشلیم را، به منظور یادآوری به اعضاء کنگره جنبش اسلامی بازگو می کند. چون این کنگره در شب های مقدس جلساتی در اماکن متبرکه برپا می داشت. بنابراین برای آغاز فعالیت به منظور نجات فلسطین باید اهمیت وقایع مذهبی بازگو می شد. شاعر دیگر به نام محمد السنوسی مقلد از مصر در شعری که سال ۱۹۳۶ سروده می گوید: «شب اسرا احساسات غمگانه ای را در او بر می انگیزد، چون یادآور فلسطین و مردم نجیب فلسطینی است که به مفهوم فداکاری غناء بخشیده اند.» (۱۴)

ترس و خشم درباره آینده فلسطین به عنوان کشوری عربی در سروده های شاعران تا سال ۱۹۴۸ تصویری زیباست. این ترس به راحتی در بسیاری از اشعار دیده می شود. در این ترس، عزیمت مسلمانان از اسپانیا به اشکال مختلف ترسیم شده است. شاعران، مسلمانان را فرامی خوانند که اسپانیا را در نظر آرند و وقایع آن را با وضعیت امروزی در فلسطین مقایسه کنند. شاعر پافشاری می کند که فلسطین به این سبب از دست رفته است که اعراب از آن مواظبت نکرده اند.

«محمد مهدی الجواهری» در سال ۱۹۲۹، این ترس را در شعر «فلسطین خون می دهد» بازگو می کند. (۱۵) در این شعر، جریان وقایع «البراق» و مقایسه بین فلسطین و اندلس (اسپانیای مسلمان) دیده می شود. این مقایسه در شعر قابل رؤیت است

و به نظر می‌رسد که وضعیت داخلی اعراب، شاعر را به هیجان آورده و او آنان را شبیه مسلمانان اسپانیا می‌بیند.

فاضت جروح فلسطين مذكرة  
جرحا بانئلس للان ما التاما  
كانت كحالمة حتى اذ انتبهت  
عضت نو اجنها من حرقة ندما  
سيلحقون فلسطينا بانئلس  
و بعطفون عليها البيت و الحرم  
زخم‌های فلسطین افزون شده است  
و یادآور زخمی در اندلس است که شفا نیافته است.

این مسلمانان روایتی دندان‌شان را با تأسف بهم می‌فشارند. آنها چونان مسلمانان اندلس فلسطین را از دست خواهند داد. و حتی کعبه و الحرم را.

این ایده در اشعار بسیاری از دیگر شاعران هم تجسم یافته، چه شعرای عراقی، چه شاعران دیگر کشورها، و در اشعار بسیاری که فلسطینی‌ها هم سروده‌اند، آمده است. همانگونه که گفتیم، وقتی ضرایب مذهبی در اشعار مربوط به فلسطین تأثیرگذار می‌شود، می‌توان به آسانی در آنها، نام قهرمانان عرب قدیمی مثل «خالد بن ولید» و «صلاح الدین ایوبی» و دیگران را دید. در واقع شاعران از نام آنها الهام گرفته و با ذکر نامشان شعله شجاعت را فروزنده‌تر کرده و در قلب هم‌میهنان خود ایجاد اطمینان و اشتیاق می‌کنند. این نام‌ها، یادآور گذشته درخشان پدرانشان است (در آن مقطع، چنین ضرایبی خیلی کاربرد داشت و آن وقتی بود که فلسطین نیازمند دفاع بوم (به طور مثال، شاعر مصری احمد محرم (۱۹۴۵-۱۸۷۱ م)، اعضای کنگره پارلمانی اعراب را در سال ۱۹۳۸، چنین مورد

خطاب قرار داده، می‌گوید: «در مصیبتی که فلسطین به آن دچار آمده، اعراب نیازمند قهرمان دیگری چون خالد بن ولید هستند».

یا آل یعرب من یرینی خالدا  
یزجی الخمیس ولستح المقتنا  
من شاء منکم فلیکنه ولا یقل  
ذهب القلیم فانه لن یلها (۱۶)

ای پسران یعرب، بگذارید بینم خالد در میان شماست  
آیا او لشگریان شما را به جنگیدن تهیج می‌کند؟  
کدامیک از شما او هستید؟

مهاجرت صهیونیست‌ها به فلسطین می‌گوید به یهودیان اخطار می‌دهد که ملت عرب می‌تواند قهرمانی چون طیطس (تیتوس) بزاید. همان رهبر رومی که یهودیان را از فلسطین بیرون راند.

ولسوف یخرج من معد\* طیطس  
الدور موطنی خیله و الهام

از میان قبیله معد کسی چون طیطس باید برخیزد که صدای پای اسبان او در خانه‌ها و سرها پیچد در میان قهرمانانی که مورد مثال شاعران عرب قرار گرفته‌اند، قهرمان بزرگ مسلمان «صلاح الدین ایوبی» قابل ذکر است. (۱۸). چون او اغلب بر دیگران ترجیح داده شده است. البته می‌دانیم که شهرت صلاح الدین به این خاطر است که او بر سربازان صلیبی در جنگ‌های تین (هیتی‌ها) در سال ۱۱۸۷

بعد از میلاد پیروز شد و اورشلیم را آزاد کرد. نام صلاح الدین به عنوان قهرمانی که با فلسطین در ارتباط است مورد نظر است. او کسی است که کوشش می‌کند فلسطین را از سربازان صلیبی جدید محفوظ بدارد. بعضی از شاعران، صلاح الدین ایوبی را صدای می‌زنند تا از گورش برخیزد و باز به نجات کشوری بشتابد که قبلاً آن را نجات داده بود و به سربازان صلیبی جدید درس دیگری بدهد. بدین گونه است که شاعر الغروی (رشید سلیم الخوری) در شعر اعلامیه ۱۹۲۹ می‌گوید: (۱۹)

یدعوک شعبک یا صلاح الدین قم  
تابی المروة ان تمام و یسهروا  
نسی الصلیبیون ما علمتهم  
قبل الرحیل فعد الیهم یدکروا  
صلاح الدین ملت تو، تو را می‌خواند،  
از گورت برخیز  
شجاعت توبه تو اجازه خفتن نمی‌دهد  
وقتی که دشمنان تو بیدارند  
سربازان صلیبی درسی را که تو به آنها  
داده‌ای فراموش کرده‌اند.  
برخیز و این درس را بار دیگر برایشان  
تکرار کن.

شاعر مهجری دیگری به نام «یوزی سیله» در شعر جهاد فلسطین که در سال ۱۹۳۸ سروده، اندوه عمیق خود را از این که شمشیری چون شمشیر صلاح الدین در میان اعراب نمی‌بیند اظهار می‌کند، شمشیری که برای نجات فلسطین بسیار ضروری است (۲۰). شاعر دیگری به نام «عبدالقادر رشید البصیری» (۱۹۲۰-۶۳) صلاح الدین دیگری را می‌بیند که دشمنان را متواری می‌کند و به بدبختی آنها در رویا پایان می‌بخشد. (۲۱)

هدف دیگری که در ورای بازگشت به گذشته وجود دارد، اخطار به نیروهای غربی طرفدار



نگذارید کسی بگوید که گذشته پرافتخار شما از بین رفته است.

و دیگر هرگز باز نمی‌گردد. حتی بعضی از شاعران دورتر هم رفته‌اند و قهرمانان غیر عرب عصر قدیم را مورد مثال و رقابت قهرمانان عصر جدید قرار داده‌اند.

به عنوان مثال، «محبوب الخوری الشرتونی» (آمریکای جنوبی ۱۹۳۱-۱۸۸۵) در شعری به نام «یک قطره اشک برای اعراب» که در سال ۱۹۲۰ منتشر شده (۱۷)، وقتی در باره تهدید صهیونیست‌ها برای فلسطین صحبت می‌کند و از

صهیونیست است که به یاد آرند سربازان صلیبی آنها، از دستان صلاح الدین ایوبی چه مجازاتی نصیب شان شده است.

به عنوان مثال، «سلیمان ظهیر» کنفرانس «بلدان» را در نظر می گیرد و غرب به ویژه بریتانیا را که طرفدار یهودیان و مخالف اعراب هستند، مخاطب قرار داده، می گوید:

وقل لبني السكسون لاتطمعوا بنا  
طرانده طه وابن عمران والقدادي (۲۲)

به قوم ساکسون بگویند آنانی که پیامبرانی چون طه (حضرت محمد ص) و موسی را رانده اند حمایت نکنید، چون آنان به سرزمین فلسطین طمع می ورزند.

شاعر عصر جدید و قرون وسطا را به هم ربط می دهد. با این اطمینان که امروز هم چونان گذشته دشمنان با شکست روبرو خواهند شد:

ومن هزلوا قلما با براق زحفکم

فهل یحفلون الیوم منکم بارعاد

و صانو احماها یوم سدت جیوشکم

منافذ اغوار فساح و أنجاد

ورد صلاح الدین فیه جموعکم

کمارد راعی الابل شارد أدواد (۲۳)

آن کس که دیروز برق جهنده سم سربازان شمارا

به مضحکه می گرفت.

آن کس که کشور را نجات داد

آنکه که نیروهای شما سراسر سرزمین را تصاحب کرده بودند.

او را می گویم. صلاح الدین ایوبی را

همو که شما را چونان مرد شتربانی که شتر

ماده اش را برمی گرداند

از این سرزمین تاراند

حالا او قربانی تندر شما نخواهد شد.

«ابوالفضل الولید» (۱۹۴۱-۱۸۸۹ م) در شعر

«صدای اورشلیم»، به غرب یادآور می شود که چه

بر سربازان آنها خواهد گذشت وقتی که به

کشور گشایی دست یازند. آنگاه به جای امید و

آرزویشان، مرگ و شکست نصیب شان می شود

همان گونه که پیش از این گفته شد. اعلام جهاد و

دفاع از فلسطین علیه طرح های صهیونیست (۲۴)

ویژگی شعر این شاعران، منعکس کننده جهت گیری

منهوی است. می بینیم که تنها بعد از وقایع البراق

در سال ۱۹۲۹ است که چنین چیزی در شعر نمودار

می شود. در حقیقت این وقایع توجه ملموس

شاعران عرب در برابر مسأله فلسطین است. هر چند

در سال های قبل از ۱۹۲۹ شاهد بعضی از

خصومت های موثر از طرف اعراب فلسطین نسبت

به سیاست قیمومیت بودیم که به صورت آشوب

(بلوا) خود را نشان داد اما تظاهرات، اعتراض و

درگیری بین اعراب و یهودیان هیچ کدام توانست

## □ ترجمه بخشی از شعری که «علی

### محمود وطه» شاعر مصری قبل از

### جنگ سال ۱۹۴۸ فلسطینی ها و

### اعراب با اشغالگرای سروده و روی

### آن موسیقی گذاشته شده،

### چنین است:

### «برادر نگاه کن که ظالمان چگونه

### ظلم را از حد گذرانده اند.

### باید برخیزیم و جهاد کنیم و

### دادن جان، آخرین چاره است.

### آیار و است بگذاریم عزت و غرور

### عرب به تاراج رود؟ پس برخیز که

### در راه عدل، جز از ضربه های

### شمشیر کاری ساخته نیست.»

فقعودی لو استصعت قیاما

معک عن واجب الجهاد حرام

و یحیی شهادة أو بقاء

یتعینی فیه الطعامة الطغام

اگر من قادر بودم که به وظیفه جهاد و قیام خود عمل کنم ولی نمی کردم، آیا گناهکار نبودم؟

کاش چون شهیدی می مردم و یا به زندگی با ترس و در زیر ستم، چونان مردمان زبون خاتمه می دادم.

وقتی که ساکرال شیبب بخاطر کوری خود که او را از شرکت در جهاد باز می داشت غمگین بود.

بسیاری از شاعران الجزایری هم از این که قادر نیستند در فلسطین بجنگند متأثر بودند! چون

کشورشان زیر سلطه فرانسه بود و آنها از چنین کاری منع شده بودند. «محمد الجرایدی» یکی از این

شاعران است که فلسطین را مخاطب قرار داده و از او به این خاطر که نمی تواند در جنگ شرکت کند

عذر می خواهد:

فلسطین انی الأبن و الابن طالع

مها أنذا أعصی فهل فیک غفران

فأن صدودی عن حماک جنایة

و أن قعودی عن فداک لعصیان

فأنا اذ ارنا لأرضک سفرة

یعارضنا بالمنع و الردع طفیان (۲۸)

ای فلسطین من فرزندی مطیع نیستم. چون از فرمانت سرپیچیده ام.

آیا تو این گناه مرا خواهی بخشید؟ نیک می دانم که عدم حضورم در جبهه دفاع از تو جنایت است.

اما چگونه بسوی تو بیایم وقتی که تمامی راهها را متجاوزان بسته اند. (۲۹)

درباره فراخوانی به جهاد ما شعری را که علی محمود طه شاعر مصری (۱۹۴۹-۱۹۰۱)

سروده است نقد و بررسی می کنیم. نام این شعر ندای جانفشانی است. (۳۰)

شعر قبل از شرکت کشورهای عربی در جنگ ۱۹۴۸ فلسطین سروده شده است. باید بگویم که

روی این شعر موسیقی گذاشته شده و محمد عبدالوهاب مصری که از مشهورترین خوانندگان و

آهنگسازان عرب این دوره است، آن را خوانده است. این شعر یک شعر انقلابی و وطنی

است که در میان کشورهای عربی از شهرت زیادی برخوردار است. هشت بیت از بیست بیت این شعر

با کلمه «اخی» یعنی برادر شروع می شود و این کلمه در میان اعراب کاربرد بسیاری دارد و در مکالمات

روزانه همدیگر را با این لفظ می خوانند. به نظر می رسد که هدف شاعر از تکرار این کلمه در شعر

برقراری اتحادی است که قبلا بین اعراب وجود داشته است او در شروع شعرش خاطر نشان می سازد

که صهیونیست ها در شکنجه اعراب فلسطینی از حد گذاشته اند. بنابراین، جهاد اجتناب ناپذیر است.

چون واقعه البراق بر شعر اعراب اثر بگذارد. با توجه

به این ایده که در شعر شاعران به وضوح دیده

می شود. سرودی زیبا، سروده شاعری مصری به نام

«ابوالوفامحمودرمزی ناظم» به نام «بخاطر اسلام»

در سال ۱۹۲۹ سروده شده (۲۵) که یک فراخوانی

شاعرانه برای جهاد به خاطر فلسطین است. ناظم

مسلمانان را سزانش می کند که از خطرهایی که

فلسطین را دربر گرفته ناگاه هستند و به آنها اخطار

می کند که اموالشان به وسیله یهودیان در خطر است

و از آنها می خواهد که خود را فدای اسلام و فلسطین

کنند. (۲۶) در خلال سال های ۳۰ و ۴۰ این آهنگ

تصویر غالب بود، بخصوص بعد از سال ۱۹۳۶

که خبر انقلاب فلسطینی ها به گوش دیگر اعراب

رسید و آنگونه که شاعران نشان داده اند، انقلاب

عمیقاً آنها را تکان داده است حتی شاعران کشورهای

دور عربی را واداشته که درباره جهاد در راه فلسطین

شعر بگویند.

«ساکرالشیبب» (۱۸۹۸-۱۹۶۳) شاعر اهل

کویت است او در آن ایام که کویت از نظر فرهنگی و

سیاسی عقب مانده بود در بیش از یک شعر احساس

عمیق خود را از این که نایبناست و از لحاظ فیزیکی

قادر به دفاع از فلسطین نیست نشان می دهد:

لیت انی ان عز ذلک بصیر

یحسن الضرب فی یدی الصمصام



اخی جاووز الظالمون المدی  
 محق الجهاد و حق الفدا  
 برادر نگاه کن و بین که ظالمان چگونه ظلم را از  
 حد گذرانده اند.  
 پس به ناچار باید برخیزیم و جهاد کنیم، که دادن  
 جان چاره آخرین است  
 شاعر پس از آن از مخاطبان می پرسد:  
 انتر کههم یغصبون العربیة  
 مجدلا ابوه و السوددا  
 و لیسوا بغیر صلیل السیوف  
 یجیبون صوتا لنا اوصدی  
 آیا رواست بگذاریم  
 غرور و عزت عرب به تاراج می رود  
 پس برخیز که در راه عدل  
 جز از ضربه شمشیرها  
 کاری ساخته نیست.)  
 و چون شاعر به عنوان یک فرد عرب برای اعراب  
 سخن می گوید، آنچه را که انجام می دهد احساس  
 می کند و چون از سؤال خویش نیک آگاه هست، آنها  
 را می خواند و می گوید:  
 فجرد حسامک من غممه  
 فلیس له بعد ان یغمدا  
 شمشیرهایتان را از غلاف بیرون نکشید،  
 هنوز وقت آن نرسیده است  
 در بیت دیگر، شاعر مردم را به جهاد می خواند  
 چون سرزمین فلسطین این کشور مقدس را در  
 وضعیت بدی می بیند:  
 اخی ان فی القدس اختالنا  
 اعذلها لذا بحون المدی  
 برادر دشمنان ما چاقوهایشان را تیز کرده اند.  
 تا خواهر ما اورشلیم را به مسلخ ببرند  
 طه، این نکته را که مسیحیان و مسلمانان هر دو از  
 جانب یهودیان در خطر هستند به وضوح می گوید.  
 بنابراین، مسلمانان و مسیحیان باید در کنار هم و  
 برای هدفی مشترک بجنگند.  
 اخی قم الی قبلة المشرقین  
 لنحمی الكنیسه و المسجدا  
 یسوع الشهید علی ارضها  
 یعانق فی جیسة احمدنا  
 برادر بشتاب- بشتاب بسوی قبله شرق و غرب  
 بشتاب تا کلیسا و مسجد را حفظ کنی.  
 که آنجا عیسی شهید در میان حواریون  
 خود احمد را در آغوش گرفته است  
 شاعر اضافه می کند: که اگر رزمنده ای در میدان  
 جنگ بر زمین افتد آن دیگری برخیزد و راهش را ادامه  
 دهد تا مرام شهیدان زنده بماند.  
 اخی ان جری فی ثراها دمی  
 و اطیقت فوق حصاها الیلا  
 و نادى الحمام و جن الحسام

و شب الضرام بها موقدا  
 فتنش علی مهجة حرة  
 ایت ان یمر علیها العدا  
 وخذ رایة الحق من قبضه  
 جلاها الوعی و نماها الندی  
 و قبل شهیدا علی ارضها  
 دعا باسمها الله و استشهدا  
 «برادر، کاش شعله های جنگ افر و خسته شوند  
 و شمشیرها برای کشتن آخته، کاش برای فلسطین  
 و در خاک آن خونم بریزد  
 و دستان من به سنگریزه هایی از خاک آن دست  
 یازند.  
 اگر جسد من را پیدا کردید بدانید که من روحی  
 شریف بودم  
 که از پایمال شدن زیر گامهای دشمن ایاء داشتم.  
 پرچم عدالت را از دستی بگیرد  
 که قبل از شهادت نام خدا را بر زبان رانده  
 و از او خواسته که فلسطین را نجات دهد»  
 در پایان شعر علی محمود طه پافشاری می کند که  
 اعراب از فلسطین دفاع کنند و به آنها می گوید یا با  
 افتخار زندگی کنند و یا بخاطر فلسطین بمیرند:  
 فلسطین یفدی حماک الشباب  
 و جل الفدائی و المفتدی  
 فلسطین تحمیک منا الصدور  
 فأما الحیاة و اما الردی  
 فلسطین جوانان ما جان خود را در راهت فدا  
 خواهند کرد. تو و آنها هر دو والا هستتید.  
 فلسطین اما چون قلبمان، تو را حفظ خواهیم کرد  
 چون هدف ما مردن یا زیستن با افتخار است.  
 نتیجه این که، جهاد در راه فلسطین تنها دز شعر  
 شاعران مسلمان نیست، بلکه شاعران مسیحی  
 عرب هم غالباً کلمه جهاد را در شعر خود با مفهومی  
 که در اسلام است به کار می برند، همانگونه که در  
 شعر الاختال الصغیر (بشاره، عبدالله الخوری) و  
 الغروی (رشید سلیم ال خوری) و الیاس فرحات و  
 دیگران دیده می شود.

#### منابع

- ۱- دیوان درب ای کلیم، ص ۱۵۹.
- ۲- همان، ص ۱۶۳.
- ۳- همان، ص ۱۲۱.
- ۴- سلیمان ظهیر، دیوان الفلستینات، ص ۲۱.
- ۵- دیوان الهوا و الشباب، صص ۱۶۳-۱۶۴.
- ۶- روزنامه الاهرام، شماره ۲۲۲۳۰، ۲۸ نوامبر ۱۹۴۷.
- ۷- همان منبع
- ۸- العامل اللدینی فی الشعر المصری الحدیث، ص ۲۴۶.

- ۹- دیوان محمدالمعید الخلیفه، ص ۱۳۸.
- ۱۰- نگاه کنیده دیوان الاسیر، صص ۲۵۳ و ۱۰۸.
- ۱۱- همان، ص ۲۵۳.
- ۱۲- دیوان الیعقوبی، ج ۱، صص ۱۶-۱۴.
- ۱۳- دیوان الفلستینات، صص ۱۲-۱۵.
- ۱۴- سعداللین الجزاوی، العامل اللدینی، ص ۲۹۶.
- ۱۵- دیوان جواهری ج ۱، صص ۴۷۵-۴۷۳.
- ۱۶- سعداللین ال جزاوی، العامل اللدینی ص ۲۳۷.
- ۱۷- دیوان الشرتونی، صص ۸۸-۸۲.
- ۱۸- رجوع کنیده به صلاح الدین در شعر امروز عرب، و نگاه کنیده به مطلبی از صالح جواد التوما به نام صلاح الدین ایوبی در شعر معاصر عربی، در العرب شماره ۱۱ نوامبر ۱۹۷۰ در صص ۲۲-۱۷ و ۷۸-۷۳ به چاپ رسیده است.
- ۱۹- دیوان الاسیر، صص ۷۷-۶۸.
- ۲۰- عزیزه مرادین، ال قومیه و ال انسانیه در شعر مهجر الجنبی، ص ۳۲.
- ۲۱- دیوان ال ناصری، ص ۴۸.
- ۲۲- دیوان الفلستینات، ص ۲۴.
- ۲۳- همان.
- ۲۴- دیوان ابو الفضل الولید، ص ۹۴.
- ۲۵- سعداللین الجزاوی، العامل اللدینی، ص ۳۲۵.
- ۲۶- قسمتی از شعر این است.  
خطمو الاقداح اکتور الرنین  
انه انین  
لاتخالو الراج- تسعد الحزین  
لیس للاح الی القلب السلیل- فدعو الاحزان  
مناتشقی  
صدقت عن خطها نفس العلیل- دعوها فی  
اساها تختی
- ۲۷- دیوان ساکال الشیبی، ص ۴۰۶.
- ۲۸- صالح خرفی، الجزایر و الاصله الثوریه، ص ۵۱.
- ۲۹- علی محمود طه، شعر و درامه، صص ۲۲۲-۲۲۴.
- ۳۰- عبدالمجید عابدین، دراست سودانیه، ص ۱۴۸.

#### منابع

#### PALESTINE AND MODERN ARAB POETRY

\* معنی: نام کلی برای نژاد عربی خالص است و به طور رسمی در مورد اعراب شمال در مقابل نژادهای یعنی به کار می رود